

The idea of government in the policy of Khajeh Nizam-ol-Molk based on the analysis of a systemic approach

Ahmad Valavinasab¹
Rouhollah Eslami²

Received Date: 28 Feb 2021

Reception Date: 24 Jul 2021

The political system designed in the “policy letter” of Khajeh Nizam-ol-Molk has structures, functions and principles such as; Sitting in the oppression of the king, the condition of the servants and ministers, the judges and the orators and the accountant, Researching and achieving the work of religion and sharia, sending the spy system and plotting for the good of the country and the subjects, To consult kings in affairs with wise men and elders is to have an army, meritocracy, and to give authority to pure and noble men, and to have a treasury. Which can be traced in the form of a system analysis approach. This analytical model consists of several important variables: Input (support and demand), output, implementation include (decision-making, political action and system, structures and executive actors) and feedback of this process in the social environment.

Despite the high adaptation of the idea of Khajeh’s government to this approach, in the system designed by her; both the designer and the executor, and even the evaluation of the feedback of the decisions taken by the regime, go back to one position and person, namely the powerful king. And in some way, structural and functional separation has not been done by Khajeh. However, Khajeh tried to distinguish between implementation and design by embedding the institution of the ministry in such a system. But For a variety of reasons, such as strong monarchical-customary-religious traditions, elite rivalries, historical backwardness in the political, cultural and security spheres, etc. this work remained fruitless.

Keywords: the analysis of a systemic, Input, output, feedback, political System, the Idea of government, Khajeh Nizam-ol-Molk.

1. Ph.D student in Political Science, Tendency for Political thought, Political Science group, Faculty of Low and Political Sciences, University Ferdowsi of Mashhad, Mashhad, Iran. ahmad.valavinasab@mail.um.ac.ir

2. Assistant Professor of Political Science, Political Science group, Faculty of Low and Political Sciences, University Ferdowsi of Mashhad, Mashhad, Iran. eslami.r@um.ac.ir

اندیشه حکومت در سیاست‌نامه خواجه نظام‌الملک بر اساس تحلیل رویکرد سیستمی

احمد ولوی نسب^۱ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۱۰

روح‌الله اسلامی^۲ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۵/۰۲

چکیده

نظام سیاسی طراحی شده در «سیاست‌نامه» خواجه نظام‌الملک دارای ساختارها و کارکردها و اصولی مانند؛ به مظالم نشستن و تدبیر پادشاه، احوال عمال و وزرا، باب قاضیان و خطیبان و محتسب، پژوهش و بر رسیدن از کار دین و شریعت، فرستادن نظام جاسوسی و تدبیر کردن بر صلاح مملکت و رعیت، مشاورت کردن پادشاهان در کارها با دانایان و پیران، لشکر داشتن، شایسته‌سالاری و مقام دادن به مردان پاک و اصیل و خزانه داشتن است که می‌توان آن را در قالب رویکرد تحلیل سیستمی ردیابی نمود. این مدل تحلیلی از چند متغیر مهم تشکیل شده است: درونداد (حمایت و تقاضا)، برون‌داد، اجرا شامل (تصمیم‌گیری، کنش و نظام سیاسی، ساختارها و بازیگران اجرائی) و بازخوران این فرایند در محیط اجتماعی است.

با وجود تطبیق بالای اندیشه حکومت خواجه با این رویکرد، در نظام طراحی شده توسط او؛ هم طراح و هم مجری و حتی ارزیابی بازخوران تصمیمات متخذه توسط نظام به یک جایگاه و فرد یعنی پادشاه مقتدر برمی‌گردد و به‌نوعی تفکیک ساختاری و کارکردی توسط خواجه انجام نگرفته است هرچند خواجه تلاش کرد با تعبیه نهاد وزارت در چنین سیستمی بین حوزه اجرا و طراحی تفکیک ایجاد نماید. اما به دلایل متعددی همچون سنت‌های

۱. دانشجوی دکتری علوم سیاسی، گرایش اندیشه سیاسی، گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و - علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران. (نویسنده مسئول).
ahmad.valavinasab@mail.um.ac.ir

۲. استادیار علوم سیاسی، گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران.

قدرتمند پادشاهی - عرفی - مذهبی، رقابت‌های نخبگانی، عقب‌ماندگی‌های تاریخی در حوزه سیاسی و فرهنگی و امنیتی و... این کار عقیم ماند.

کلیدواژه‌ها: تحلیل سیستمی، درون‌داد، برون‌داد، بازخوران، نظام سیاسی، اندیشه حکومت، خواجه نظام‌الملک.

مقدمه

ورود به مدخل اصلی مقاله و بررسی اندیشه حکومتی خواجه در قالب نظری رویکرد سیستمی نیازمند آن است که ابتدا به صورت مجمل مفاهیم اصلی شرح داده شوند.

۱-۱- اندیشه حکومت

حکومت یکی از مفاهیم پرکاربرد در اندیشه‌های سیاسی و سیاست عملی است. برای معنی لغوی آن تعبیر متعددی ذکر شده است. در فرهنگ لغت معین، حکومت به هفت معنا آمده است: ۱. فرمان دادن؛ ۲. فرمانروایی کردن؛ ۳. پادشاهی کردن؛ ۴. قضاوت کردن؛ ۵. فرمانروایی؛ ۶. پادشاهی؛ ۷. داوری، قضاوت (معین، ۱۳۷۵: ۱۳۶۷). در فرهنگ لغت دیگری برای حکومت سه معنای؛ ۱- فرمانروایی؛ ۲- دستگاه دولتی که بر یک کشور یا ناحیه فرمان می‌راند؛ ۳- نظام سیاسی، ذکر شده است (صدری افشار، ۱۳۶۹: ۴۰۰). در فرهنگ لغت فرهیخته: به مجموعه‌ای متشکل از سازمان‌های اداری، اجتماعی و نیز یک ایدئولوژی سیاسی مشخص برای پیاده کردن و حفظ آن ایدئولوژی در جامعه حکومت گفته می‌شود. یا اینکه: حکومت به معنای ساختار و نظام سیاسی است که در هر جامعه حاکم می‌باشد و منطقی است که این ساختار معمولاً متناسب با ایدئولوژی حاکم بر آن نظام سیاسی هماهنگ می‌گردد (باقری، ۱۳۹۷: ۳).

در معنای اصطلاحی نیز تعاریف زیادی برای آن ذکر شده است در اصطلاح فرهنگ‌های علوم سیاسی، حکومت به معنای حکمرانی، فرمانروایی و اداره امور عمومی یا رهبری و مدیریت جامع است. یا در دانش سیاست؛ حکومت را مجموعه‌ای از سازمان‌های عمومی یا نهادی همگانی می‌دانند که به منظور تأمین روابط اجتماعی، حفظ نظم در جامعه، اجرای قوانین و تأمین مصالح عمومی به وجود می‌آید و گاهی به معنای «قوه اجرایی»، در نظام‌های قانونی جدید و مبتنی بر تفکیک قوا، آمده است (آشوری، ۱۳۶۶: ۲۴۱). در جایی دیگر گفته شده است که تنظیم رفتار جمعی انسان‌ها به شیوه مطلوب در امر سیاسی و کاهش احتمال مخاطرات آن و افزایش احتمال سود و لذت و شادی حکومت کردن معنا می‌شود (اسلامی، ۱۳۹۴: ۹). برخی دیگر تقریر کرده‌اند که مردم نمی‌توانند به هدف‌های مشترک دست یابند، مگر آنکه به درستی سازمان یابند و قواعد معین طرز عمل را بپذیرند. کارگزاری

که در سطح جامعه مسئول اجرای این قواعد رفتار است و اطاعت را تأمین می‌کند حکومت نامیده می‌شود (عالم، ۱۳۹۲: ۱۴۳).

نکته مهم در باب مفهوم حکومت این است که اغلب آن را با مفهوم دولت درمی‌آمیزند و آن را زیرمجموعه دولت و از عناصر سازنده دولت محسوب می‌کنند (عمید زنجانی، ۱۳۸۷: ۱۶۱). از نظر این اندیشمندان حکومت عنصر بنیادین دولت و وسیله‌ای است در خدمت هدف‌های اعضای دولت، یعنی مردم. در واقع واژه حکومت بر اندیشه بنیادین به اختیار درآوردن اطاعت متکی است و براقبتار و تسلیم به آن اقتدار دلالت می‌کند. حکومت به هر صورت هم که سازمان‌یافته باشد باید برای دولت باشد (عالم، ۱۳۹۲: ۱۴۶). آنان دولت را به‌عنوان پایه اندیشه ورزی خود قرار می‌دهند و بیان می‌دارند که مفهوم دولت گاهی به مجموعه‌ای خاصی از «افراد و حاکمان» گفته می‌شود که وظایف عمومی را در جامعه و در زمانی معین انجام می‌دهند و گاهی نیز دولت به مجموعه خاصی از «نهادهای برتر» یعنی به سازمان‌ها و شیوه‌های منظم و پذیرفته‌شده‌ای گفته می‌شود که به انجام وظایف «قانون‌گذاری و اجرا» می‌پردازند (فیرحی، ۱۳۹۲: ۸). هرچند اغلب اندیشمندان بر تفاوت این دو به دلایل ذیل تأکید می‌ورزند:

- حکومت یکی از این عناصر چهارگانه دولت است.
- دولت خالق حکومت و حکومت مخلوق و مأمور از طرف آن است.
- غیرقابل تجزیه بودن دولت و منقسم شدن حکومت به سه شعبه مقننه و اجرائیه و قضائیه.
- دائمی و همیشگی دولت برخلاف حکومت.
- عاریتی و موقتی و محدود بودن اقتدارات حکومت درحالی‌که اقتدار دولت دائمی و ذاتی و نامحدود است.
- برخلاف دولت وجود ذهنی دولت، حکومت وجود عینی و محسوسی دارد (باقری، ۱۳۹۷: ۵).

بنابراین منظور ما از اندیشه حکومت در این مقاله مسائل مرتبط با حوزه سیاست و

قدرت، فرمانروایی و اقتدار، داوری و قضاوت، تفکیک قوا، کارگزاران سیاسی، اقتدار سیاسی، قانون‌گذاری و اجرا، هنجارهای سیاسی و نهادهای مرتبط با نظام سیاسی می‌باشد.

۱-۲ - خواجه نظام‌الملک و سیاست‌نامه (سیر الملوک)

خواجه نظام‌الملک وزیر سلجوقیان در خانواده‌ای اشرافی در سال ۴۰۸ هجری در رادکان طوس تولد یافت. پدرش، از یاران محمود سبکتکین و مأمور جمع‌آوری مالیات به شمار می‌آمد. بعد از فروپاشی سلسله غزنویان و افتادن شهر بلخ به دست سلجوقیان و توقیف اموال پدر خواجه توسط عمید بلخ، پدر خواجه به مرو آمده و به خدمت چغری بیک، پدر الب ارسلان سلجوقی در آمد. بعد از مرگ طغرل بیک در سال ۴۵۵ هجری الب ارسلان به تخت نشست و خواجه نظام‌الملک در چهل‌وهفت‌سالگی به وزارت وی منصوب شد. به خاطر رفعت مقام خواجه در دربار سلاجقه بعد از مرگ الب ارسلان و روی کار آمدن ملکشاه همچنان در وزارت ابقا شد و ملکشاه همه‌کاره‌ای کشور را به او تفویض کرد. سرانجام در سن ۷۶ سالگی و بعد از ۳۴ سال وزارت در دربار شاهان سلجوقی به دست فدائیان اسماعیلی در نهند کشته شد (طباطبایی، ۱۳۹۵: ۱۸-۴۰).

نظام‌الملک در طول دوران وزارت توانست با واقع‌گرایی مصلحانه رابطه مذهبی دربار سلجوقی و خلفای عباسی را به کمک تأسیس نظامیه‌ها سامان دهد و با ایجاد نظام‌ها و نهادها رابطه بین دربار و خزانه و لشکر و قضاوت را تنظیم نمود (اسلامی، ۱۳۹۲: ۳) و با وجود گرفتن لقب از سوی خلیفه در تثبیت نهاد سلطنت و پاسداری از نهاد وزارت در خدمت سلطنت نقش بی‌بدیلی ایفا کرد (قادری، ۱۳۸۳: ۱۲۴).

خواجه نظام علاوه بر عمل سیاسی در سیاست عملی نیز دست داشت. از او کتابی به نام سیر الملوک «سیاست‌نامه» به جای مانده است. این کتاب به درخواست ملکشاه ابتدا در ۳۹ فصل تنظیم گردید و بعداً ۱۱ فصل نیز به آن اضافه شد. او در این کتاب به امور واقعی که «بنیاد حکومت» هستند، یعنی نهاد پادشاهی و سلطنت و ترویج آن می‌پردازد (قادری، ۱۳۸۳: ۱۲۴-۱۲۵).

۱-۳- روش پوزیتیویسم یا تجربه‌گرایی

از جمله روش‌های مورد استفاده برای تحلیل نهادها و نظامات سیاسی روش پوزیتیویسم یا تجربه‌گرایی است. در این روش محققان برای شناخت پدیده‌ها از طریق رابطه علی و فرایند مشاهده و تبیین و پیش‌بینی اقدام می‌کنند (منوچهری، ۱۳۹۰: ۴۶) و قاعده‌مندی‌هایی از قبیل؛ دقت، موضوع مفهومی، قوت سیستماتیک (کریچلی، ۱۳۸۶: ۵۸)، درستی آزمایی، اقوال و قضایا و نظریه‌ها و فرضیه‌ها (خرمشاهی، ۱۳۸۹: نه)، بی‌توجهی به امر انتزاعی و اصیل دانستن امر محسوس (حکاک، ۱۳۹۰: ۷)، حذف گزاره‌های ماقبل تجربه، صدق و کذب گزاره‌ها از طریق تطبیق با واقعیات، تعمیم استقرایی داده‌های یافته شده، تبیین رابطه بین متغیرها، اصل بی‌طرفی و استفاده از دیگر دانش‌هایی مثل جامعه‌شناسی-روان‌شناسی-ریاضی و اقتصاد، توسط محقق باید رعایت شود (منوچهری، ۱۳۹۰: ۴۷-۴۸).

عطف به مطالب مطروحه در خصوص اندیشه حکومت خواجه نظام در «سیاست‌نامه» و چهارچوب نظری تحلیل سیستمی و در پاسخ به چگونگی تبیین اندیشه حکومتی خواجه نظام‌الملک، تلاش خواهد شد تا فرضیه: «همه گزینه‌های سیستم یا نظام شامل؛ درونداد، اجرائیات، نتیجه و بازخوران در سیاست‌نامه قابل‌ردیابی است اما مشکل اساسی در یکی بودن طراحی، اجرا و ارزیابی است و به بیانی دیگر، طراح خود مجری است البته خواجه با جدا کردن نهاد شاه از نهاد وزارت قصد چنین رویکردی را داشت اما موفق نشد»، با توجه به روش تجربه‌گرایی و در قالب رویکرد سیستمی به بررسی گذارده شود.

پیشینه پژوهش

در خصوص نظام‌الملک و میراث سیاسی او چه در حوزه عمل سیاسی و چه در مقام نویسنده مطالب زیادی انتشار یافته است. از جمله این نوشته‌ها کتاب «خواجه نظام‌الملک، گفتار در تداوم فرهنگی ایران» نوشته جواد طباطبایی است. به گفته نویسنده کتاب، خواجه نظام نقشی تعیین‌کننده در تداوم فرهنگی ایران و کتاب سیاست‌نامه او بیانیه سیاسی پراهمیت در این زمینه است که هدفش تجدید ساختارهای کهن فرمانروایی ایرانشهری در دوره اسلامی می‌باشد. در جای‌جای کتاب نویسنده به دنبال ردیابی گزاره «شاه آرمانی» و نقش وزیر در چنین الگویی و تأثیرات سیاسی این دو در حوزه‌های سیاسی و عمومی می‌باشد.

از دیگر نوشته‌ها در باب خواجه نظام‌الملک و کتاب او می‌توان به فصل هشتم کتاب؛ «اندیشه‌های سیاسی در اسلام و ایران» حاتم قادری اشاره کرد. نویسنده با بررسی زندگی و زمانه خواجه و اشاره به دوگانه سلطنت و خلافت و ترجیح سلطنت و نقش پراهمیت وزارت در چنین الگویی به بررسی محتوای کتاب سیاست‌نامه می‌پردازد و ضمن شرح فصول کتاب، تأکید دارد که خواجه نظام متأثر از میراث سیاسی ایران باستان به‌خصوص اندیشه‌های ایرانشهری و فرّه ایزدی و فرّه کیانی می‌باشد.

یکی دیگر از نوشته‌هایی که به تشریح اندیشه سیاسی خواجه نظام‌الملک در قالب آینه‌های شاهی پرداخته است، کتاب «اندیشه سیاسی اسلام» در سده‌های میانه از آروین روزنتال با ترجمه علی اردستانی است. در فصل سوم این کتاب نگارنده در قسمت مربوط به بررسی محتوای کتاب سیاست‌نامه صرفاً به شرح جملات خواجه به‌خصوص در باب ویژگی‌های یک حاکم مسلمان، تأکید بر اعتدال و عدالت ورزی شاه، وظیفه حاکم در قبال مجتهدان، بحث قضاوت و نقش جواسیس و... پرداخته است.

کتاب تقی رستم وندی بانام «اندیشه ایرانشهری در عصر اسلامی: بازخوانی اندیشه سیاسی حکیم ابوالقاسم فردوسی، خواجه نظام‌الملک طوسی و شیخ شهاب‌الدین سهروردی» نیز با تأکید بر تداوم و تأثیر اندیشه‌های ایران‌شهری در دوره اسلامی و بررسی اندیشه این سه با توجه با نکته مهم فوق یعنی ریشه‌یابی این اندیشه در دوره اسلامی قابل توجه است.

یکی دیگر از نوشته‌هایی که به تحلیل اندیشه‌های سیاسی خواجه پرداخته است، «اندرز به سلطان» نوشته نگین یاوری است. نویسنده در فصل اول کتاب بایان این نکته که اندرزنامه‌ها و از جمله کتاب سیاست‌نامه نظام‌الملک ابزار انتقال اندیشه‌های سیاسی اند به صورت توصیفی به زندگی‌نامه خواجه و فصول کتابش می‌پردازد و در فصل ششم بایان یک نکته یعنی «درهم‌آمیختگی مفاهیم متضاد» در اندرزنامه‌ها به بررسی برخی از این تضادهای به‌ظاهر آشتی‌ناپذیر از جمله مذهب شافعی و حنفی، وزارت خوب و بد و پرداخته است.

مقالات متعددی نیز در باب اندیشه سیاسی خواجه نظام به نگارش در آمده است از جمله آن‌ها می‌توان به مقاله «تکنولوژی‌های قدرت در سیاست‌نامه خواجه نظام‌الملک» نوشته روح‌الله اسلامی است. نویسنده در این مقاله به دنبال فهم فنون جاسوسی، نظامی، دینی

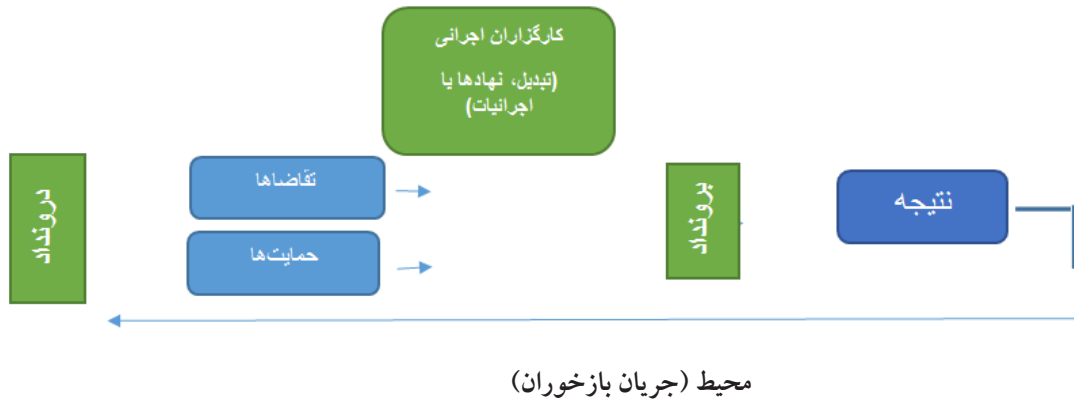
و خزانة و دربار و قضاوت و توجه به توسعه ساختاری در باب اعمال قدرت و چگونگی محدود کردن قدرت می‌باشد. مقاله بهرام اخوان کاظمی به نام «عدالت و خودکامگی در اندیشه سیاسی خواجه نظام‌الملک طوسی» نیز در زمینه توجه به دوگانه عدالت و خودکامگی و ترجیح شق دوم بر اولی در اندیشه خواجه نظام قابل تأمل است. همایش بین‌المللی «هزاره خواجه نظام‌الملک» در دانشگاه فردوسی مشهد و مقالات منتشره در باب خواجه نظام‌الملک و ابعاد اندیشه‌های نامبرده این زمینه قابل توجه و مفید می‌باشند.

نکته مهمی که ضروری است بیان شود این است که اکثر مقالات و کتب منتشر شده درباره خواجه نظام‌الملک و سیاست‌نامه به بررسی تأثیرات اندیشه‌های ایران‌شهری و رابطه دین و دولت و سیاست و واقع‌گرایی سیاسی، هنجارهای سیاسی در اندیشه او پرداخته‌اند در حالی که در این مقاله هدف واکاوی چگونگی حکومت کردن و به بیانی فهم سیاست ورزی (به معنای حکومت کردن) از منظر خواجه نظام و از خلال کتاب سیاست‌نامه می‌باشد. چراکه به گفته برخی از نویسندگان سیاست‌نامه به جای آنکه رساله‌ای در باب پادشاهی باشد، کتابی در باب نقد حکومت و جهان داری می‌باشد (یاوری، ۱۳۹۸: ۱۵).

چهار چوب تئوریک

رویکرد سیستمی از ویژگی‌هایی برخوردار می‌باشد که می‌توان از آن برای تحلیل اندیشه حکومت نظام‌الملک استفاده کرد از جمله این ویژگی‌ها می‌توان به مواردی از قبیل محور بررسی بودن نظام یا سیستم دولت-ملت، مجموعه تعاملات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در این رویکرد (قوام، ۱۳۸۵: ۳۱)، توجه به نهادهای منقسم کننده ارزش‌ها و خدمات در همه بخش‌های جامعه (قوام، ۱۳۸۵: ۳۱)، سامان دادن به پیچیدگی‌های جهان پیرامون (چیلکوت، ۱۳۸۹: ۲۲۸) و توانایی این مدل برای ضرورت پیش‌بینی و اصلاح امور (چیلکوت، ۱۳۸۹: ۲۲۸) اشاره کرد.

مهم‌ترین مفاهیم این رویکرد درون‌داد شامل تقاضاها و حمایت‌ها، نظام سیاسی شامل: مقامات- کارگزاران اجرایی و برون‌داد شامل تصمیمات و کنش‌ها و بازخوران می‌باشد (قوام، ۱۳۸۸: ص ۳۱-۴۷) و (چیلکوت، ۱۳۸۹: ۲۳۷).



تحلیل اندیشه حکومت خواجه نظام الملک با توجه رویکرد تحلیل سیستمی با توجه به مدل تحلیل سیستمی در قسمت درونداد در اندیشه حکومت خواجه نظام الملک حق طرح تقاضاها را در وهله اول توسط پادشاه و به میزانی کمتر وزیر و معدودی از اشراف و نخبگان سیاسی و مذهبی و لشکری در قالب دربار، دارند.

۳) درونداد (تقاضاها و حمایت‌ها) ۴-۱- پادشاه

بنیاد اندیشه حکومت در نظرگاه خواجه، نظام پادشاهی مطلقه است که برگزیده خداوند است و در سایه هیبت چنین پادشاهی مردم می‌توانند عدالت و امنیت داشته باشند و رنجشان کم شود و عمران جهان به جای آورد و هرکسی توسط چنین پادشاهی به اندازه شایستگی قدر می‌بیند و در صورت درازدستی مالش می‌شود (نظام الملک، ۱۳۹۳: ص ۵-۶). ویژگی‌های کیفی چنین پادشاهی: دین درست، کسب علم و دانش، صبر بودن، عقل، سخاوت، انتخاب وزیر خوب، مراعات عدالت، مشورت با بزرگان، مراعات احوال رعیت و فراخ داشتن نان و طعام برای خلق خدا می‌باشد (روزبهرانی، ۱۳۹۷: ص ۵۳۲-۵۳۳). به علاوه آنکه باید از صفاتی چون حسد، کبر، غضب، شهوت، حرص، ظلم و سبک‌سری مبری باشد که ثبات دنیا به صفات پادشاه بستگی دارد (روزبهرانی، ۱۳۹۷: ۱۷۸). و درعین حال برای انجام بهتر و کارآمدتر مسئولیت پادشاهی، خواجه انجام یک سری کارکردها را از طرف پادشاه ضروری می‌داند:

◀ به مظالم نشستن برای رفع ظلم و بی‌عدالتی

از جمله کارکردهای نظام سیاسی رفع ظلم و توجه به خواسته‌های عامه مردم و رعایت انصاف در حق آنان می‌باشد و هرچه که این اقدام به شکل حضور مستقیم حاکم انجام شود باعث کاهش ظلم و بی‌دادگری خواهد شد: چاره نیست پادشاه از آن‌که هر هفته‌ای دو روز به مظالم بنشیند و داد از بیدادگر بستاند و انصاف بدهد و سخن رعیت بگوش خویش بشنود بی‌واسطه... که چون این خبر در مملکت پراکنده شود... همه ظالمان بشکوه‌اند و دست‌ها کوتاه دارند و کس نیارد بیدادی کردن و دست‌درازی کردن از بیم عقوبت (نظام‌الملک، ۱۲: ۱۳۹۳).

◀ پیگیری احوال عمال و مقطّین و وزرا و معتمدین

به نظر خواجه پادشاه باید به عمال توصیه کند که برای گرفتن مال با مردم مدارا کنند تا رعایا در رنج نیفتند و از خانه خویش آواره نگردند (نظام‌الملک، ۱۳۹۳: ۲۴) و برای مقابله با سوءاستفاده از قدرت و آبادانی ملک و عامه مردم حکام باید متوجه باشند که از دادن اختیار تام و طولانی مدت مناطق و ولایت‌های ذیل حکومت اجتناب بورزند: تا دانسته باشی که پادشاهان، همیشه در حق ضعفا، اندیشه‌ها داشته‌اند و در کار گماشتگان و مقطّعان و عاملان احتیاط کرده‌اند، و هر دو سه سالی، عمال و مقطّعان را بدل باید کرد، تا ایشان پای سخت نکنند و وصفی نسازند و با رعایا نیکو روند و ولایت آبادان بماند (نظام‌الملک، ۱۳۹۳: ۴۷)، چراکه از نظر خواجه مُلک و رعیت همه برای سلطان است و مقطّعان بر سر ایشان و والیان هم چون شحنه‌ای‌اند: با رعیت همچنان روند که پادشاه با دیگر رعایا، تا پسندیده باشد، و از عقوبت پادشاه و عذاب آخرت ایمن باشند (نظام‌الملک، ۱۳۹۳: ۳۷). از طرف دیگر پادشاه باید متوجه باشد که صلاح و فساد پادشاه و آبادانی و خلل در مملکت در درستی و نادرستی عمل وزرا و معتمدین است (نظام‌الملک، ۱۳۹۳: ۲۵).

◀ پیگیری احوال مشرفان دولت در نقاط مختلف

در نوشتار خواجه مُشرف همان معتمد و منسوب حکومت بر اموال و بیت‌المال در نقاط مختلف کشور است که خود نایبانی در نقاط مختلف دارد و باید از بیت‌المال به اندازه به آن‌ها بدهند، تا ایشان را به خیانت کردن و رشوت ستدن حاجت نیفتد (نظام‌الملک، ۱۳۹۳: ۷۳).

◀ توییح و تشویق کردن مأموران، خدمت‌گزاران و بندگان

به نظر خواجه اگر مأموران حکومتی دچار خطایی عمدی یا سهوی شوند بهتر است او را تنبیه کنند (نظام‌الملک، ۱۳۹۳: ۱۵۱). و در ازای خدمت تشویق و هدیه داده شوند (خواجه نظام‌الملک، ۱۳۹۳: ۱۵۸). و شایستگان را ارج نهد و فرد نالایق را کنار بگذارد و خائن را از بین ببرد (نظام‌الملک، ۱۳۹۳: ۱۷۲).

◀ شتاب نکردن در کارها

به نظر خواجه پادشاه نباید در کارها عجله کند تا حقایق معلوم گردد همچنان که تأکید آیه قرآن بر حقیقت‌طلبی و نفی شتابزدگی برای جلوگیری از دل‌تنگی و پیش‌بینی است (نظام‌الملک، ۱۳۹۳: ۱۶۲). و بزرگ‌مهر می‌گوید: شتابزدگی از سبکساری باشد و هر که شتابزده باشد و آهستگی ندارد همواره پشیمان و غمناک باشد (نظام‌الملک، ۱۳۹۳: ۱۶۴).

◀ مشاوره کردن با پیران و جهان دیدگان

پادشاه باید در کارهایی هم چون مصلحت مملکت و به خدمت گرفتن یا معزول کردن خدمتگزاران، مسائل مربوط به دین، جنگ و پیکار، با پیران و جهان دیدگان و کارآزموده‌ها مشورت و تدبیر کند (نظام‌الملک، ۱۳۹۳: ۱۸۰). خواجه با استناد به آیات و احادیث نبوی مشاورت پیران و هواخواهان و اولیای دولت در کارهای مهم را خواستار می‌شود: تا هرکسی را در آن معنا هر چه فراز آید، بگویند... رأی صواب از آن میان پدیدار آید. و رأی و تدبیر صواب، آن باشد که عقل‌های همگنان بر آن متفق شود (نظام‌الملک، ۱۳۹۳: ۱۸۰).

◀ تعهد دینی و شایسته‌سالاری در مسئولیت سپردن به خدمتگزاران

منظور خواجه در این فقره این است که پادشاه در واگذاری مشاغل باید به یک فرد چند شغل و برعکس یک شغل به چند فرد واگذار نکند و یا به فردی اصلاً مسئولیت ندهد و همچنین مراقب باشد که به افراد بی‌اصل و فضل و جاهل مسئولیت اعطا نکند چراکه: در آن مملکت مردمان معطل و محروم بیش از آن باشد که مردم با عمل (نظام‌الملک، ۱۳۹۳: ۲۰۱). و از پادشاه می‌خواهد که بددینان و یهود و ترسا و گبر را بر سر مسلمانان نگمارد (نظام‌الملک، ۱۳۹۳: ۲۰۰).

◀ جلوگیری از دخالت زنان و زبردستان در امور مملکتی

خواجه نظام با اشاره به برخی آیات قرآن از پادشاه می‌خواهد که از دخالت زنان و اهل ستر در امور مهم جلوگیری کند؛ زیرا جز رسوایی و شر و فتنه و فساد حاصل نیامده است (نظام‌الملک، ۱۳۹۳: ۲۱۷). هم‌چنین از پادشاه می‌خواهد که مراقب زبردستان و گماشتگان و عامه رعیت باشد تا اندازه و بندگی خود را فراموش نکنند که خداوند: پادشاه را زبردست همه مردمان آفریده است و جهانیان زبردست او باشند و ناپاره و بزرگی از او دارند باید که همیشه خویشتن‌شناس باشند و کمر طاعت از میان نکشایند و رسن فراخ نگذارند تا هر چه خواهند کنند (نظام‌الملک، ۱۳۹۳: ۲۲۶).

۴-۲- دربار

در اندیشه خواجه دربار جایگاه بسیار ویژه‌ای دارد؛ دربار به مشاور، وکیل، غلام، چوب‌دار و گارد مخصوص نیاز دارد که فره و کاریزمایی پادشاه را حفظ می‌کنند و اجازه ندهند که جلال و شکوه او با دستپاچگی، عادی شدن و به سخره گرفتن از بین برود (سلامی، ۱۳۹۲: ۱۱) و جایگاه هر یک از ندیمان و صاحب‌منصبان فوق در دربار مشخص است تا سلسله‌مراتب‌ها حفظ شود و نشست‌ها و برخاست‌ها از روی قاعده صورت گیرد. «پادشاه را چاره نیست از ندیمان شایسته داشتن، که بزرگان و صاحب‌طرفان و سپه‌سالاران را بسیار نشستن، شکوه و حشمت پادشاهان را زیان دارد و ایشان دلیر گردند.» (نظام‌الملک، ۱۳۹۳: ۱۰۶)

وظیفه دربار رسیدگی به امور و شکایاتی است که به پادشاه ارجاع می‌شود، زیرا دربار همه حکومت است و با ویژگی‌های شخصی و استبدادی عزت و ذلت رعیت را در اختیار دارد: همیشه باید میان پادشاه و مردم حاجب قرار داشته باشد و اجازه دست رسی مستقیم از رعیت سلب شود تا از یک‌سو رفتارهای شاه برای رعیت عادی نشود و از سوی دیگر رعیت در برابر حاکم گستاخ نشود (اسلامی، ۱۳۹۲: ۱۲).

پادشاه عامل آسودگی و امنیت سرزمین است و باید آداب دیدن و ترتیب عام و خاص و ادب ایستادن و همه تشریفات سیاسی، نظامی و اجتماعی در برابر او رعایت شود تا به‌هیچ‌وجه به او آسیب نرسد که البته این‌ها وظایف سلاح‌داران درباری است که به‌صورت

پنهانی حافظ جان پادشاه باشند. ضمن آنکه دربار پادشاه به امیر حرس و چوب‌دارانی نیاز دارد: بعد از امیر حاجب، امیر حرس دارای جایگاه رفیعی در دربار می‌باشد و متناسب با دستور شاه در هنگام خشم به شلاق زدن، گردن زدن، بردار کردن، چوب زدن، دست‌وپا بردن و یا به زندان و چاه انداختن اقدام می‌کند (نظام‌الملک، ۱۳۹۳: ۱۳).

در خصوص «حمایت‌ها» در رویکرد سیستمی، یک نظام سیاسی در صورتی می‌تواند تصمیمات اقتدارآمیز اتخاذ کند که از حمایت و پشتیبانی لازم برخوردار باشد و این خود از دو راه پاسخ‌گویی به خواسته‌های مردم و دخیل کردن آن‌ها در فرایندهای سیاسی و بسط ارزش‌ها و ایستارها و آیین‌ها و اسطوره‌های سیاسی هر نظام سیاسی میان مردم است به دست می‌آید (قوام، ۱۳۸۵: ص ۳۵-۳۷)، این در حالی است که در اندیشه خواجه نظام‌چندان واقعی به نقش حمایتی مردم و اقشار مختلف مثل زنان، جوانان، حتی برکشیدان خود دستگاه حکومت نهاده نمی‌شود و اگر حرفی هم از خدمت‌گزاری به اقشار مختلف به میان می‌آید صرفاً از باب ثواب اخروی و در راستای ثبات نظام سیاسی است. حتی نوع نگاه خواجه به مردم و برخی از اقشار از نظرگاه امروزی غیرانسانی و حتی توهین‌آمیز است: مردم رمه هستند یا سخن اهل ستر همچون عورت است (نظام‌الملک، ۱۳۹۳: ۲۲۵).

جدول (۱)

کارکرد	کارگزاران	حمایت‌ها تقاضاها	درونداد
پیگیری احوال عمال و مقطوعین و وزرا و معتمدین	پادشاه	حمایت‌ها تقاضاها	درونداد
رفع ظلم و بی‌عدالتی			
توبیخ و تشویق خدمت‌گذاران			
پی‌گیری احوال مُشرفان دولت	دربار	حمایت‌ها تقاضاها	درونداد
تعهد دینی و شایسته‌سالاری در مسئولیت سپردن به خدمتگزاران			
مشاوره کردن با پیران و جهان‌دیدگان			
جلوی گیر از دخالت زنان و زیردستان در امور مملکتی			
حفظ دخل و خرج و مراقبت از بودجه پادشاه و ممانعت از تصمیم‌گیری توسط شاه در مواقع مستی			
حفظ فره و کارزمایی پادشاه			

۴. اجرا

در قسمت تبدیل یا نظام سیاسی (بازیگران و کارگران در حوزه اجرایی) در اندیشه حکومتی خواجه کارگزاران و بازیگران و نهادهایی متعددی دخیل و تأثیرگذارند که باید هر یک به صورت جداگانه وظایف محوله را به درستی و امانت انجام دهند:

۵-۱- وزارت و وزیر

وزارت نهادی ایرانی است که به دو صورت مشورتی و تفویضی از عهد باستان تا دوران حکومت اسلامی تداوم پیدا کرد (طباطبایی، ۱۳۷۶). و خواجه با تأسی به چنین باوری مرقوم می‌کند که مسئولیت کارگزاران در نظام پادشاهی با وزیر است و تداوم حکومت نیز به او بسته است. جمله معروف او که آن تاج به این قلم بسته است معرف همین نکته است. و بزرگی پادشاهی و فرمانروایی جهان: همه آن بودند که وزیران نیک داشتند و پیغامبران بزرگ نیز هم‌چنین (نظام‌الملک، ۲۱۰: ۱۳۹۳). حتی خواجه درجایی با تشبیه وزیر به سگ و پادشاه به چوپان و مردم به رمه، از شاه می‌خواهد که با وزیر: در مهمات ولایت و لشکر، وجوه مال و عمارت و تدبیر خصمان و مملکت و... مشورت کند (نظام‌الملک، ۱۳۹۳: ۱۴۷). و ضمن تأکید برداشتن وزیر زیرک و قدرتمند معتقد است که پادشاه باید همیشه بر وزیر نظارت داشته باشد، زیرا وزیر قدرت شاه را مشروط و از سوی دیگر پادشاه قدرت وزیر را به مجاری کارآمد می‌کشاند. پادشاه باید مراقب باشد تا وزیر خیانت نکند، زیرا غفلت امیر و خیانت وزیر پادشاهی می‌گیرد (اسلامی، ۱۳۹۲: ۱۶). نکته نهایی آنکه وزیر از نظر خواجه باید از ویژگی‌های هم چون: پاکدامنی و اعتقاد درست، معامله دان و بخشنده قلم و پادشاه دوست و وزیرزاده بودن، برخوردار باشد (نظام‌الملک، ۲۱۰: ۱۳۹۳).

۵-۲- قضات و قاضی

از دیگر بازیگران اجرایی در اندیشه حکومتی خواجه نظام‌الملک جایگاه قضاوت و قاضی در مُلک‌داری است. او از پادشاه می‌خواهد که ضمن آگاهی از احوال قضات در کل مملکت با توجه به علم و زهد آن‌ها را منصوب نماید، به اندازه نیازشان تأمین شوند، و

حکمش ضمانت اجرا داشته باشد، چراکه تداوم حکومت در گروه انصاف و درستی حکم قضا است (نظام‌الملک، ۱۳۹۳: ۴۹).

۵-۳- شکر

خواجه یکی از واقع‌گراترین متفکران سیاست است. او دغدغه امنیت دارد و برای اینکه بتواند بقا و دوام حکومت را افزایش دهد به روابط نظامی و جاسوسی فکر می‌کند (اسلامی، ۱۳۹۲: ۱۸) از نظر او بر پادشاه لازم است که از احوال سپاهیان آگاه باشد و در تأمین حواجج آنان بکوشد تا به فساد و ستم و روی نیاورند. افزون بر آن، پادشاه باید سه کار انجام دهد تا از روی آوردن لشکریان به انحراف و ظلم جلوگیری کند: الف - حقوقشان را به موقع و با دست خویش بپردازد. ب- انتخاب لشکریان از همه نژادها و از همه مناطق کشور و هرچه بیشتر و با معیار «نیک بودن» و ج - جاسوسانی ناشناس برای درستی اعمال لشکریان (نظام‌الملک، ۱۳۹۳: ص ۱۲۱-۱۲۲-۲۰۲).

۵-۴- علما و شریعت اسلام

از دیدگاه خواجه یگانه عامل پیونددهنده جامعه و تربیت‌کننده و آموزش دهندگانها مذهب است. مذهب مانند روح جامعه است که همه دانش‌ها و آموزش‌ها از درون آن برمی‌خیزد. البته خواجه مذهب و دین اسلام، به خصوص گرایش‌های اشعری، را آنچنان بالا می‌برد که یگانه صورت مشروعیت حکومت را به این روایت‌های دینی پیوند می‌زند. (اسلامی، ۱۳۹۳: ۲۰). و سایر فرق اسلامی دینی مثل یهود و نصارا را به شدیدترین وجهی مورد تاخت و تاز قرار می‌دهد و درجایی برخی از آنها را به سگان تشبیه می‌کنند. و خواهان گردن زدن و زنده‌به‌گور کردن آنها می‌شود. (نظام‌الملک، ۱۳۹۲: ۲۰۰). و برای رد آنها از مفاهیمی همچون خارجی، روافض، بددینان، اسماعیلی و مزدکی و خرم‌دینان استفاده می‌کند. (خواجه نظام‌الملک، ۱۳۹۳: ۲۲۷). و بر سرکوبی فرق‌های که به زعم او کافر و بددین بود تأکید می‌کند (نظام‌الملک، ۱۳۹۳: ۲۲۷-۲۸۰).

خواجه معتقد بود که پادشاهی و دین دو برادرند و خلل در هرکدامشان باعث اضطراب و خلل در دیگری می‌شود. بنابراین به شاه تذکر می‌دهد که هر هفته، یکی دو بار علما را به

حضور بپذیرد و تفسیر قرآن، اخبار و حدیث را از آنان بشنود (نظام الملک، ۱۳۹۳: ۶۹). نتیجه چنین اقدامی توسط پادشاه سلامت دین و افزایش عدل، از بین رفتن بدعت در مملکت، برخواستن فساد و فتنه از دولت، افزایش قدرت افراد صاحب صلاحیت، و در نهایت نیکنامی و رستگاری و ثواب اخروی برای پادشاه است (نظام الملک، ۱۳۹۳: ۶۹).

۵-۵- محتسب برای نظارت بر بازار و نرخها

از دیگر کارگزاران اجرائی برای جلوگیری از دستکاری و درد و رنج مردم در اندیشه خواجه نظام نظارت و ناظران بر بازارهای خرید و فروش مایحتاج مردم یا همان سازمانهای نظارتی امروز است هست که باید احتیاط تمام کنند: تا هر متاعی که از اطراف آرند و در بازارها فروشند، غشی نکنند و سنگها راست دارند و اگر جز این کنند، درویشان در رنج افتند (نظام الملک، ۱۳۹۳: ۵۱).

۵-۶- سفیران

از دیگر نهادها و شأنیتهای مورد توجه خواجه نهاد سفارت و نقش سفیر است. هر چند در زمانه خواجه سفرا بیشتر حالت پیغام رسان و تا حدی جاسوسی در حوزه‌ای نظامی را انجام می‌دادند. اما باز خواجه بر نقش سفیر تأکید و افری دارد از نظر او کسی که می‌خواهد سفیر باشد باید ویژگی‌هایی از قبیل خدمت به پادشاهان، دلیری در سخن گفتن، بسیار سفر کرده، دانا به علوم مختلف، ترجیحاً پیرو عالم، دانا به سلاح و سوارکاری، مبارز، شریف و مبرای از مزاح و قمار باز و بسیار گویی باشد (نظام الملک، ۱۳۹۳: ۱۱۷). از جمله کارهایی سفرا می‌توان به مواردی از قبیل شناخت تعداد و ابزار آلات و میزان رضایت و ورزیدگی کاردانان لشکر، گماشتگان ملک، آبادی و یا ویرانی ولایت، فقر یا غنای رعیت، کفایت وزیر، نظر پادشاه در باب دین و شراب و زن و غلام و ... اشاره کرد (نظام الملک، ۱۳۹۳: ۱۱۴).

۵-۷- خزانه‌داری

نقش خزانه و به بیان شرعی بیت‌المال در اندیشه حکومتی خواجه قابل توجه است. از نظر او ترتیب و قاعده ملک، مصالح مملکت و صلاح رعیت به آبادانی خزانه بسته

است. (نظام‌الملک، ۱۳۹۳: ۲۸۸). به همین دلیل است که خواجه ضمن توصیه به نوشتن حساب مال ولایت‌ها و مجموع و خرج آن‌ها می‌نویسد؛ که بر پادشاه فریضه است تفحص کردن عمال و معاملات و بدانستن دخل و خرج، و نگاه‌داشتن اموال و ساختن خزینه‌ها و ذخیره‌ها، از جهت استظهار و دفع کردن مضرت خصمان (نظام‌الملک، ۱۳۹۳: ۲۹۳). در ادامه خواجه نکته‌ای را بیان می‌دارد که امروز در تمامی کشورها رایج است و آن‌هم تقسیم درآمدهای دولت به دو قسمت خزانه اصل (ذخیره ملی) و خزانه خرج (بودجه جاری) است (نظام‌الملک، ۱۳۹۳: ۲۸۷). و در ادامه برداشتن خزانه اصل را صرفاً به شکل وام می‌پذیرد. تا زمان‌های بحرانی و ضروری مملکت دچار اضطراب نشود (نظام‌الملک، ۱۳۹۳: ۲۹۳).

جدول (۲)

کارگزاران	کارکرد	اجرائیات
وزارت و وزیر	مسئول کارگزاران و کمک به حفظ و تداوم حکومت	
قاضی	تداوم ملک‌داری و حکومت	
لشکر	امنیت بخشی و بقا و دوام حکومت و حدود مملکت	
علما و شریعت اسلام	وحدت بخشی به جامعه و تربیت‌کننده و آموزش دهند انسان‌ها	
محتسب	نظارت بر بازارها	
سفیران	پیغام‌رسانی و جاسوسی در حوزه نظامی و بعضاً سیاسی	
خزانه‌داری	منوط کردن ترتیب و قاعده و مصالح مملکت و صلاح رعیت به پر بودن خزانه	

۵) برون‌داد (تصمیمات اتخاذشده)

با عطف به رویکرد سیستمی مقاصد و اهداف در فرایند تصمیم‌گیری در قسمت برون‌داد به شکل عدالت، ثبات سیاسی و عمران و آبادانی ظهور پیدا می‌کنند. که در اندیشه خواجه نه از باب وظیفه ذاتی حکومت بلکه به‌عنوان ارزش‌های سیاسی مفید به حال دولت و حاکم عنوان می‌شوند (روزنتال، ۱۳۹۶: ۸۶).

۶-۱- عدل و دادگستری

دادخواهی و مقابله ظلم همواره یکی از پایه‌های ثابت در اندرزنامه نامه هم قبل از اسلام و هم در دوره اسلامی می‌باشد و همین روند را می‌توان در سیاست‌نامه دنبال کرد. بخش زیادی از حکایات در سیاست‌نامه ناظر بر مفهوم عدالت است. ذکر نمونه‌هایی از احادیث نبوی به‌مانند سزاوارترین پادشاهی آن است که دل وی جایگاه عدل است (نظام‌الملک، ۱۳۹۳: ۵۶)، یا عدل عز دین و قوت سلطان و صلاح لشکر و رعیت است و ترازوی همه نیکی‌ها است (نظام‌الملک، ۱۳۹۳: ۵۶) همه نشان از توجه خواجه به هنجار مهم عدل دارد و حتی شکر گذاری از خداوند را: نگاه‌داشتن رعیت و داد ایشان دادن و دست ستمکاران از ایشان کوتاه کردن می‌داند (نظام‌الملک، ۱۳۹۳: ۱۰). عدالت انوشیروان و وزیران ایران قدیم، دوران عضدالدوله، سلطان محمود و همین‌طور دستورالعمل‌های عدالت‌طلبانه اجرایی که صریحاً به آن‌ها اشاره می‌کند نشان از دغدغه و نگرانی خواجه از کوتاهی در امر عدل و داد دارد (نظام‌الملک، ۱۳۹۳: ص ۵-۶۸). گفتنی است محتوای مفهوم عدالت در اندیشه خواجه متأثر از معنای آن در اندیشه‌های ایران‌شهری است و به‌مانند اندرزنامه‌های ایران باستانی عدالت اهمیت فرعی و حاشیه‌ای داشته و خواجه آن را فدای پادشاهی استبدادی و مطلقه کرده است (اخوان کاظمی، ۱۳۸۰: ۲۴).

۶-۲- امنیت و ثبات نظام سیاسی

امنیت پایدار برای مُلک‌داری و پیشرفت در زمینه‌های مختلف اقتصادی و سیاسی و اقتدار و ثبات حاکمیت از بنیان‌های هر حکومتی است از این‌رو برای خواجه که فرد دوم بعد از پادشاه محسوب می‌شد، موضوع امنیت و ثبات نظام سیاسی از اولویت‌ها در حکومت‌داری است که آن را در وجود شخص شاه که به‌نوعی منصوب خداوند است متجلی می‌بیند (نظام‌الملک، ۱۳۹۳: ۵). و تغییر سلطنت و پادشاهی و فتنه‌ها و آشوب‌های بعداز آن را هم چون بلای آسمانی می‌داند که باعث می‌شود که انسان‌های نیک سرکوب شوند و آدم‌های پست به عظمت دست پیدا کنند: اندر چنین ایام فتنه و فتور، شریفان، مالیده شوند و دونان، با دستگاه شوند و مفسدان توانگر شوند (نظام‌الملک، ۱۳۹۳: ۱۷۱). و بهتر آن است که پادشاه ضمن توجه به‌قاعده پادشاهی در دوره‌های پیشین یک سری کارکردها و اعمال را انجام دهد تا ثبات ملک و مملکت برقرار بماند.

۶-۳- آبدانی و توجه به نیازمندان

تا قبل از مدرنیته و ظهور مفهومی به نام حقوق مردم و وظایفی برای حکومت در مقابل عامه در بسیاری از نوشته‌های به‌جامانده و واقعیت‌های سیاسی حاکمیت‌های گذشته مردم از حقی برخوردار نبودند بلکه از باب برخی تعالیم اسطوره‌ای و مذهبی و اخلاقی و فایده‌گرایی از حکومت‌ها درخواست می‌شده است که به عمران و آبدانی و خدمات عمومی به نیازمندان و محرومان از کاست قدرت توجه کنند و خواجه از همین باب از پادشاه می‌خواهد که: ارباب حاجت و مستحقان و عالمان و علویان و مصلحان و مستوران و نظامیان و مرز نشینان را و قاریان را از بیت‌المال نصیب دهند (نظام‌الملک، ۱۳۹۳: ۱۷۲). و برای ثواب آخرت و دعای خیر مردم به آبدانی جهان و پاک کردن قنات‌ها و کندن جوی‌ها و ایجاد پل‌ها و شهرهای نو و مدارس و رباط‌ها و... اقدام کند (نظام‌الملک، ۱۳۹۳: ۷).

جدول (۳)

کارکرد	کارگزاران	برونداد
دادگستری	پادشاه وزیر	
امنیت و ثبات نظام سیاسی		
آبدانی و توجه به نیازمندان		

۶) ارزیابی

ارزیابی یا بازخوران محیط اجتماعی:

در فرایند بازخوران تحلیل سیستمی یعنی تأثیر و تأثر محیط درون اجتماعی در بیرون از نظام سیاسی (سیستم)، که شامل: سیستم‌های بوم‌شناختی، فیزیکی-انسانی، زیست‌شناختی، ساختمان ارثی یا ژنتیک انسان‌ها، شخصیتی (روان‌شناسی)، و اجتماعی، فرهنگی-ساختار اجتماعی-اقتصادی و جمعیتی می‌شود و محیط برون اجتماعی که شامل: جامعه یا محیط بین‌المللی با ذیل سیستم‌هایی هم چون سیستم‌های بوم‌شناختی بین‌المللی، سیستم‌های اجتماعی بین‌المللی و سیستم‌های سیاسی بین‌المللی می‌شود (چیلکوت، ۱۳۹۰: ۲۳۹). در اندیشه حکومت نظام‌الملک می‌توان گفت؛ اگر منظور از محیط اجتماعی شق اول یعنی

محیط درون اجتماعی باشد. باید توجه داشت که خواجه برای حفظ نظم و ثبات و امنیت نظام سیاسی استبدادی بسیار از مردم را به بهانه‌های واهی از جمله غرض‌ورزی (کافه رعیت)، کم‌عقلی (زنان)، بددینی و کفر کنار می‌گذارد و برای معدودی از افراد از جمله پادشاه و وزیر و برخی نخبگان سیاسی و مذهبی در انتقال تقاضاها و تأثیرات اجتماعی بر محیط داخل نظام حق قائل می‌شود. هرچند توجه به مباحث اقتصادی و معیشتی مردم و فقرا، مسائل فرهنگی و مذهبی، رعایت عدل و برخورد قاطع با ستمکاری و ظلم، توصیه به وحدت میان مسلمان و برخورد قاطع با فرقی که به دنبال فتنه و آشوب و هرج‌ومرج هستند، می‌تواند ناشی از توجه و علم خواجه بر تأثیرات محیط اجتماعی بر نظام سیاسی باشد (نظام‌الملک، ۱۳۹۳).

اما اگر منظور از محیط اجتماعی همان شق دوم یعنی محیط بیرون اجتماعی (جامعه یا محیط بین‌المللی) منظور باشد، انتظار از خواجه برای بررسی و تأثیر و تأثیر آن بر نظام سیاسی مطلوب او در زمانه سده‌های میانه به‌جا و عقلانی نیست. هرچند خواجه در قسمتی از کتاب سیاست‌نامه (اندر فرستادن رسولان) سعی کرده به شکلی به پادشاه آگاهی دهد که نوع نگاه نظام‌های سیاسی دیگر در باب مسائلی داخلی کشوری می‌تواند نشان از قدرت و ضعف اقتدار سیاسی و دست‌اندازی و یا ترس از حمله و دشمنی برای هر نظام سیاسی باشد (نظام‌الملک، ۱۳۹۳: ص ۱۱۳-۱۱۴).

البته باید توجه داشت که خواجه از باب حفظ نظم و امنیت و ثبات نظام سیاسی و تحلیل درست از بازخوردهای اجتماعی رفتار و کردار کارگزاران در تلاش بود تا با گماردن جاسوسانی چند این مهم را به انجام رساند زمینه‌های کارکردی جاسوسان عبارت‌اند از:

۷-۱- آگاهی از احوال والیان و مقطعان و گماشتگان و دشمنان

از جمله روش‌های مهم خواجه برای آگاهی از وضعیت کارگزاران حکومتی در اطراف کشور و مقابله با احتمال شورش توسط آن‌ها علیه حکومت مرکزی و آگاه کردن پادشاه از قصد حمله دشمنان فرستادن جواسیس در پوشش‌های مختلف به اقصی نقاط کشور می‌باشد (نظام‌الملک، ۱۳۹۳: ۸۸).

۲-۷- آگاهی از دارائی‌ها و دخل و خرج حکومت

یکی از مهم‌ترین نهادهای دخیل در هر حکومتی نهادها و سازمان‌های مربوط به برنامه‌بودجه و خزانه ملی و تنظیم و تعادل میان دخل و خرج آن می‌باشد. امر مهمی که خواجه آن را از جمله ابزارهایی می‌داند که می‌توان به وسیله آن پایگاه حکومت در مقابله با دشمنان را محکم کرد از همین رو از شاه می‌خواهد که به وسیله جاسوسان همواره از درآمدها و هزینه‌ها آگاهی داشته باشد (نظام‌الملک، ۱۳۹۳: ۲۹۳).

۳-۷- برای آگاهی از احوال لشکر و رعیت

از جمله ارکان حکومت در نظر خواجه نیروهای نظامی و لشکری و توجه به احوال آنان از باب جلوگیری از ظلم به مردم توسط کارآگاهان بوده است (نظام‌الملک، ۱۳۹۳: ۷۵).

۴-۷- آگاهی از احوال مسئولین حکومتی از قبیل عامل و قاضی و شحنه و محتسب

آگاهی از رفتار و کردار کارگزاران حکومتی و نظارت مستمر بر عملکرد آنان از جمله دیگر کارکردهای جاسوسان می‌باشد که به گمان خواجه، پادشاه باید به انجام آن اهتمام ورزد و این نیز باید توسط دین‌داران و افراد خداترس انجام گیرد (نظام‌الملک، ۱۳۹۳: ۵۴).

جدول (۴)

کارکرد	کارگزار	ارزیابی
آگاهی از احوال والیان و مقطعان و گماشتگان و امرا و دشمنان	جاسوس	
آگاهی از دارایی‌ها و دخل و خرج حکومت		
آگاهی از احوال لشکر و رعیت		
آگاهی از احوال مسئولین حکومتی		

نتیجه‌گیری

همچنان که مدعای این مقاله بود می‌توان شاخص‌های اندیشه حکومت خواجه نظام‌الملک را از طریق رویکرد سیستمی در قسمت درون‌داد (تقاضاها و حمایت‌ها)، تبدیل (کارگزاران

اجرائی)، برونداد (تصمیمات سیاسی) و بازخوران محیط اجتماعی ردیابی کرد. البته باید توجه داشت که در زمانه خواجه استبداد، اقتصادی سنتی و کشاورزی، تعصب شدید مذهبی و ظهور فرق اسلامی، باورهای عرفی و تا حدی مانع و سد کننده در باب اکثریت مردم، نبود تکنولوژی و صنعت؛ اندیشه حکومت‌مندی او را در قالب تحلیل سیستمی در حوزه حمایت‌ها، تصمیمات سیاسی و فرایند بازخوران محیط اجتماعی دچار چالش‌های کارکردی و تأثیرگذار کرده است. به بیانی دیگر چون در سیستم طراح شده توسط خواجه، پادشاه و تا حدی وزیر هم طراح و هم مجری و هم تصمیم‌گیرنده‌اند و یک تفکیک ساختاری و کارکردی وجود ندارد این نظام سیاسی در شرایط بحرانی و تغییرات بنیادی به شدت آسیب‌پذیر و دچار عدم تعادل در کلیت خود خواهد شد. مسئله مهمی که در دنیا مدرن از طریق فرایند تفکیک قوا و تمرکززدایی از قدرت در دستان عده معدود و تقسیم آن به سه حوزه تقنینی و اجرایی و قضائی و واردکردن نظرات اقشار مختلف مردم تداوم حکومت و ساختارهای کارآمد را موجب شود. و واقعیت آن است که نظام سیاسی که بیشتر به افراد و گماشتگان معدودی متکی است و تفکیک ساختار جایی ندارد با بروز هر نوع بحران و اختلال در درون اجتماع و یا سیستم حکومتی دچار گسست و تضعیف و حتی فروپاشی خواهد شد، مسئله‌ای که با مرگ خواجه نظام‌الملک برای حکومت سلاجقه اتفاق افتاد.

کتابنامه

قرآن کریم

۱. اسلامی، روح‌الله (۱۳۹۲). «تکنولوژی‌های قدرت در سیاست‌نامه خواجه نظام‌الملک، جستارهای سیاسی معاصر»، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی سال چهارم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۲، صص ۱-۲۶.
۲. باقری، عبدالله، سید محمد صادق احمدی و غلامحسین مسعودی (۱۳۹۷). «تاملی بر مفهوم واژه حکومت در تعامل با حکومت اسلامی»، فصلنامه علمی پژوهشی فقه و تاریخ تمدن، سال پانزدهم، شماره پنجاه و هفتم.
۳. جمعی از نویسندگان (۱۳۸۶). فلسفه تحلیلی (مجموعه مقالات)، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۴. چیلکوت، رونالد (۱۳۹۰). نظریه‌های سیاست مقایسه‌ای، ترجمه؛ وحید بزرگی و علیرضا طیب، تهران: رسا.
۵. حکاک، سید محمد (۱۳۹۰). فلسفه تجربی انگلستان، تهران، سمت.
۶. خرمشاهی، بهاء‌الدین (۱۳۸۹). پوزیتیویسم منطقی، تهران، علمی و فرهنگی.
۷. خواجه نظام‌الملک طوسی (۱۳۹۳). سیاست‌نامه (سیرالملوک)، به کوشش دکتر جعفر شعار، تهران: امیر کبیر.
۸. روزبهنی، محمدرضا (۱۳۹۷). عوامل بقاء و اضمحلال حکومت از دیدگاه خواجه نظام‌الملک طوسی، مشهد: همایش بین‌المللی خواجه نظام‌الملک طوسی.
۹. روزنتال، آروین. آی. جی. (۱۳۹۶). اندیشه سیاسی اسلام در سده‌های میانه، ترجمه علی اردستانی، تهران: قومس.
۱۰. صدری افشار، غلامحسین (۱۳۶۹). فرهنگ زبان فارسی امروز، تهران: نشر کلمه.
۱۱. طباطبایی، سیدجواد (۱۳۹۵). خواجه نظام‌الملک، تهران: مینوی خرد.
۱۲. عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۷). مبانی حقوق اساسی اسلام، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۳. فیرحی، داوود (۱۳۹۲). نظام سیاسی و دولت در اسلام، چ ۱۰، تهران: سمت.
۱۴. قادری، حاتم (۱۳۸۳). اندیشه‌های سیاسی در اسلام و ایران، چ ۵، تهران: سمت.
۱۵. قوام، عبدالعلی (۱۳۸۵). سیاست‌های مقایسه‌ای، تهران: سمت.
۱۶. معین، محمد (بی تا)، فرهنگ فارسی معین، چ ۲۶، تهران: امیرکبیر.

۱۷. همایش بین‌المللی خواجه نظام‌الملک طوسی (۱۳۹۷ پاییز). دانشگاه فردوسی، مشهد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی.

۱۸. منوچهری، عباس (۱۳۹۰). رهیافت و روش در علوم سیاسی، چ ۳، تهران، سمت.

۱۹. یآوری، نگین (۱۳۹۸)، اندرز به سلطان، ترجمه؛ محمد دهقانی، چ ۲، تهران: تاریخ ایران.